

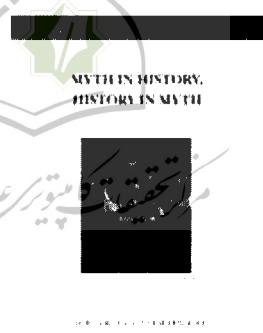
در لغتنامه‌های فارسی برای اسطوره دو معنی افسانه و قصه، و سخنپریشان را به کار برده‌اند. از معنی اول چنین استنباط می‌گردد که اسطوره دخل و رابطه‌ای به واقعیت ندارد بلکه همه سراسر افسانه‌های دروغین و قصه و سرگرمی است. و معنی دوم حاکی از رویدادهایی است که به طور معمول در اسطوره رخ می‌دهند و عموماً قابل اعتماد نیستند و این استنباط را القامی کند که به اسطوره نباید توجه کرد. در باپ اسطوره می‌توان به تعاریف متفاوتی اشاره کرد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اسطوره داستانی است که در اعصار قدیم برای مردمان وقت معنایی حقیقی داشته، ولی امروزه در معنای لفظی و اولیه خود حقیقت محسوب نمی‌شود. به دیگر سخن، اسطوره زمانی history یعنی تاریخ بوده (معمولًا تاریخ مقدس) اما امروزه به صورت Story یعنی داستان فهمیه می‌شود.<sup>۱</sup> به دیگر سخن بر اثر مرور زمان و انتقال نسل به اساطیر، یک سری اضافات در آن وارد آمده و به مرور زمان از تاریخ به داستان، قصه و افسانه تغییر پیدا کرده است. در تعریف دیگری، اسطوره‌شناسی دانشی است که به بررسی روابط میان اسطوره‌ها و جایگاه آن‌ها در دنیای معاصر می‌پردازد.<sup>۲</sup> حضور اساطیر در دنیای معاصر نشان از جایگاه والای اساطیر و شخصیت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای در ذهن و زندگی و فرهنگ مردم می‌باشد. این اساطیر تا وقتی در زندگی این مردمان نمود داشته باشند استعمال و در غیر این صورت از حافظه مردم به مرور زمان پاک و دپای آن‌ها را باید در کتاب‌های تاریخی و ادبی جست. پژوهشگران اساطیر، در پی گذراز ظاهر و پوسته اسطوره به باطن و مغز آن، و تبیح در پی دستیابی به نمادها و نشانه‌های رازگونه زبان اسطوره می‌باشد. عده‌های از محققان اسطوره به هم‌سویی باستان‌شناسی و زبان‌های باستانی اشاره و به کارابی آن در دیرینه شناسی فرهنگی انسان‌ها تاکید می‌کنند. بدین سان که با کیکاکش در اساطیر، گذشته از روش ساختن بخش‌های تاریک تاریخ، می‌توان به بخش‌های تاریک نهاد و روان خود نیز دست پیدا کرد.<sup>۳</sup>

### تاریخچه اسطوره‌شناسی

به نظر هرچه به زمان‌های عقب‌تر برگردیم، نمود اساطیر را در زندگی مردمان وقت بیشتر مشاهده می‌کیم، با گذشت زمان بسیاری از اساطیر از حافظه مردمان پاک و معدودی از آن‌ها در طول زمان ادامه تا به زمان ما رسیدند. به دلیل این که برای اساطیر تاریخ مشخصی نمی‌توان فرض کرد و هر دوره‌ی زمانی برای خود اساطیری داشته که نسل به نسل از اجداد خود به ارت برده‌اند

## اسطوره در تاریخ تاریخ در اسطوره

• علیرضا گودرزی



■ Myth in History, History in Myth

■ Laura Cruz, Willem Frijhoff

■ BRILL, 2008

از آنجا که برای اساطیر تاریخ مشخصی نمی‌توان فرض کرد و هر دوره‌ی زمانی برای خود اساطیری داشته که نسل به نسل از اجداد خود به ارث برده‌اند، تاریخچه‌ی اسطوره را نیز می‌توان به قدمت خود اسطوره فرض کرد

## اسطوره در تاریخ

می‌پردازند. از جمله این پژوهشگران جلال ستاری است که در این زمینه تأثیرات و ترجمه‌هایی دارد. از جمله این آثار می‌توان به اسطوره در جهان امروز، اسطوره و رمز در اندیشه‌ی میرچا الایاده، مجموعه مقالات اسطوره و رمز، پیوندهای ایرانی و اسلامی اسطوره پارزیفال، چهار سیمای اسطوره‌ای، جهان اسطوره‌شناسی، و دانش اساطیر اشاره کرد.

### رویکردهای اسطوره

مردمان باستانی و کنونی به چه نحوی به اساطیر خود نگاه می‌کنند؟ این نگاه تا چه اندازه‌ی تناشد و تا چه اندازه براحت شخصی فرد نسبت به اسطوره است؟ اصولاً از زمانی که اساطیر در زندگی مردمان دیده می‌شود، رویکرد و نگاه به آن نیز دیده می‌شود. در این راستا قدمت نگاه به اسطوره به اندازه خود اسطوره است در مجموع می‌توان سه رویکرد مهم تمثیل گرایانه، تاریخی، و عقلی را برای اساطیر قائل شد. در این رابطه اولین رویکردی که به اساطیر نگاه می‌شد، رویکرد تمثیل گرایانه بود که تا قرن ۱۸ میلادی که رویکرد عقلانی روی کار آمد، هم‌چنان ادامه یافت. این رویکرد نیز به نوبه خود ادامه یافت تا این که در قرن ۱۹ میلادی نگاهی علمی و دغدغون به اساطیر شد. از دلایل مهم نگاه علمی به اسطوره، پیشرفت برخی رشته‌های علوم انسانی هم‌چون علوم اجتماعی است. رشد و پیشرفت فلسفه، و انسان‌شناسی نیز تاثیر زیادی بر اسطوره‌شناسی و توجه بیشتر به آن داشت. اطلاعات رد و بدل شده در این دوره توسط سیاحان، در تهیه کردن مواد خام اولیه اسطوره نقش زیادی داشته و باعث ایجاد رویکرد تازه‌ای به اسطوره گردید.<sup>۱</sup> در اواسط قرن ۲۰ رویکرد ساختارگرایی کار آمد و باعث شروع جریان‌های تازه‌ای در اسطوره‌شناسی شد. ورود این رویکرد در اسطوره‌شناسی نقش اساسی در ارتقای کیفی و کمی بینایه‌ای اسطوره داشت که حاصل ارتباط اسطوره با برخی رشته‌های علوم انسانی می‌باشد.

بعد از اشاره مختص‌تری به تعریف اسطوره و تاریخچه و رویکرهای مرتبط به آن، در ادامه بر تیم به معروفی کتاب تاریخ اسطوره، اسطوره تاریخ و مباحث مطرح شده در آن د. باب اسطوره پیر داریم.

کتاب اسطوره، تاریخ، تاریخ اسطوره (Myth in History, History in Myth) در راستای سومین کنفرانس بین المللی انجمن تاریخ هلند که در ۵ و ۶ June ۲۰۰۶ در نیویورک برگزار گردید، توسط لورا کروز (Laura Cruz) و ویلم فریجف (Willem Frijhoff) (Willem Frijhoff) جمع آوری، و در انتشاراتی BRILL منتشر گردید. محورهای مورد بحث در این کتاب همان طور که در ادامه دیده می‌شود، تاریخ، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی اساطیر، نقش سیاست و دولت در اسطوره

در نتیجه تاریخچه‌ی اسطوره را نیز می‌توان به قدمت خود اسطوره فرض کرد. نمود مکتوب اشاره به اساطیر را می‌توان در آغاز فیلسوفان سده‌های سوم و دوم پیش از میلاد مشاهده نمود. رشد فلسفه در یونان باستان باعث رشد تفسیرهای تمثیلی از اسطوره گشت از جمله، مفاهیم ژرف و پنهان در متون اساطیری بازشناخته شد. اوهرم از جمله نویسنده‌گان یونانی سده سوم ق.م. می‌باشد که معتقد بود ایزدان همان بزرگ مردانی متعال و معزز بودند که نعمت‌های بسیار برای اینای شر آورندند. اوهرم پاگاهی زمینی برای ایزدان قائل بود و برای اساطیر خاستگاهی تاریخی می‌جست. در قرون وسطی دیدگاه نوینی در اسطوره‌شناسی پدید نیامد. حتی در دوره‌ی نووازی (رنسانس) نیز تفسیر اسطوره‌ای، تمثیل گونه و هنوز در پرتو مکتب اوهرم بود.<sup>۲</sup> بررسی و شناخت دقیق اسطوره در غرب از سده‌ی هجدهم میلادی آغاز گردید. بیشتر مطالعات در آن دوره، درباره‌ی اساطیر کلاسیک یونان و روم بود. به همین سبب پژوهندگان سده‌ی ۱۸ میلادی، روش‌های تفسیری و بیزهای داشتند. در آغاز سده‌ی ۱۹ میلادی، عده‌ای از محققین اسطوره، شیفته‌ی زبان و فرهنگ هند و اروپایی شدند و در زمینه‌ی تاریخ، فلسفه و اساطیر به مطالعه و تطبیق پرداختند. «فیدریش کرووز» در سده‌ی نوزده اسطوره‌شناسی را به عنوان یک علم مستقل مطرح و مکتب نمادی یا رمزی را بنیان نهاد و از اسطوره تعابیر نمایند کرد.<sup>۳</sup> هم‌زمان با مطرح شدن اسطوره‌شناسی به عنوان یک علم، پژوهشگران دیگر علوم از اساطیر معانی و مفاهیم متفاوتی براحت شدند و به کار می‌گرفتند. عده‌ای هم‌چون «زیگموند فروید» (Sigmund Freud) (۱۸۵۶-۱۹۳۹) و شاگردش «کارل گوستاو یونگ» (Carl Gustav Jung) (۱۸۷۳-۱۹۶۱) از دیدگاه روان‌شناسی به اساطیر نگریستند. مردم‌شناسان، اساطیر را برای شناخت بهتر تمن‌ها و جوامع و آداب و رسوم آن‌ها بررسی می‌کنند. نویسنده‌گان تاریخ ادبیان، اساطیر را برای شناخت عقاید و نظام‌های فکری جوامع پیشین تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ داش اساطیر با دین و مذهب نیز پیوند می‌خورد، ولی پیداست که این امری ظانوی و تا حدودی خارجی نسبت به گوهر اسطوره‌شناسی است. درواقع آن چه جوهر و یا ذات اسطوره محسوب می‌شود این است که اسطوره آفریده‌ی تخیل است و سه جریان در آن دیده می‌شود: تبیین پدیده‌های طبیعت، قصه‌های سرگرم کننده، و افسانه‌های پهلوانی.<sup>۴</sup>

هم‌زمان با شروع علمی اسطوره‌شناسی در غرب و توجه بسیاری از پژوهشگران به آن، نگاه به اساطیر و تعاریف ارائه شده در باب آن تغییر و به کمک دیگر رشته‌های مرتبط، ساختار علم اسطوره‌شناسی متتحول گردید. در ایران این داشت در حال شکل گیری است و بعضی از این زمینه تأثیراتی و ترجمه‌هایی دیده می‌شود. اغلب مترجمان به ترجمه‌ی نتایج مطالعات غربیان در این زمینه

جامعه مدرن و داشت امروزی صورت گرفته است. همچنین در تغییر تعاریف فوق، از بی اعتبار دانستن اسطوره، به کشف و توجه دوباره به آن در یک شکل و قالب به حق و شایسته، به عنوان شروع راهی دگر دریاب کشف واقعیات و شناخت حقایق از ورای اساطیر می پردازد. بر این اساس برخی از نویسنده‌گان، اساطیر را به عنوان مانعی در شناخت دقیق حقایق می‌دانند، این در حالی است که است که عده دیگری از این نویسنده‌گان، نه تنها اساطیر را مانعی در شناخت حقایق تاریخی نمی‌بینند، بلکه آن راهی در این شناخت می‌دانند. یکی از فرض‌هایی که دریاب اساطیر و تاریخ ارائه می‌شود، فرض دوگانگی بین تاریخ و اسطوره است. عده‌ای این فرض را فرضیه ضعیفی در این باب می‌دانند و در اثبات آن اشاره می‌کنند که اگر نیازهای تاریخی ما در برخورد و رفتار با اساطیر و افسانه‌های تاریخی دقیق، صحیح، تصفیه شده، و متعادل باشد، چنین برداشتی از تاریخ و اسطوره صورت نخواهد گرفت. در ادامه به نگاه متفاوت کشورهای توسعه یافته و جهان سوم به اساطیر خود می‌پردازد و به نقش حاکمان در چگونگی شناخت و مأمور کردن موضوعات اساطیری در فرهنگ مردمان تأکید می‌کند (صفحه ۴-۱). همچنین به پژوهشگران تاریخ اسطوره اشاره می‌کند و خاطرنشان می‌کند که عموم این پژوهشگران از الگوها و نظریات ساختارگرایی در ارائه آراء و عقاید و تفسیر موضوعات مورد مطالعه خود استفاده می‌کنند. همچنین به دید مردمان اروپایی نسبت به کیهان شناسی و اسطوره می‌پردازد و آن را مقدمه‌ای برای شروع جدید تحقیقات تاریخی می‌داند. در ادامه به دیگر کفرانس‌های در پیاب اسطوره می‌پردازد (همچون کنفرانس ۱۹۷۳) و اشاره می‌کند که نویسنده‌گان این کفرانس‌ها، داستان‌های تاریخی، تصاویر، حوادث و رویدادها را که نگاه افسانه‌وار به آن‌ها می‌شده است، با کمک سنن تاریخی، تشخیص داده و طبقه‌بندی کرده‌اند (صفحه ۴-۵). در ادامه اشاره می‌شود تغییر از فهم یک متن نسبت به فهم ارتباط آن به خواننده در ارتباط با برخی نوشته‌های در باب اساطیر تاریخی، نوعی اغفال خواننده می‌پاشد. در این راستا به ارتباط بین نوشته‌های اساطیری و خواننده‌گان آن‌ها می‌پردازد (صفحه ۶-۷) و به هدف و انگیزه خواننده‌گان اساطیر می‌پردازد و اشاره می‌کند که هدف عموم خواننده‌گان از مطالعه اساطیر، کشف و پیدا کردن حقایق جهان بشری است. در ادامه به اساطیر برخی کشورهای اروپایی همچون یونان و هلند (کشور محل برگزاری کنفرانس) می‌پردازد و به برخی اساطیر و افسانه‌های این کشورها و نمود عینی آن‌ها در تاریخ و فرهنگ‌شان اشاره می‌کند. در این راستا برخی از پژوهشگران هم چون استین اساطیر این کشورها را روزنه‌ای در بازسازی و تفسیر اجتماعی و نشانه‌ای از اشتیاق به آینده بهتر می‌دانند (صفحه ۸-۱۲) که از پژوهشگران اساطیر می‌پاشد که دریاب حوزه پژوهش اسطوره پیشنهاد می‌کند اساطیر در جنبه‌های گوناگون روان‌شناسی بشر پژوهش کند. (صفحه ۱۲-۱۴) در ادامه به بعضی از پژوهشگرانی که علاقمند به یافتن ارتباط بین تاریخ و اسطوره می‌باشد پرداخته می‌شود. یکی از این پژوهشگران جان بلنس (Jan Blanc) می‌پاشد که معتقد است ارتباط بین تاریخ و اسطوره به راستی پیچیده و نیازمند به گذر از ظاهر به باطن، و صورت به معنی در جهت شناخت این رابطه می‌باشد. در آخر، به فعالیت‌های این پژوهشگران از جمله بلس در عرصه اساطیر خصوصاً اساطیر کشور هلند می‌پردازد. از جمله این کارها تأثیر و ارائه کتابی در باب یکی از ماندگارترین اساطیر تاریخ هلند (درباره هنرمندی اسطوره‌ای به نام Rembrandt) می‌پاشد (صفحه ۱۴-۱۶).



می‌باشد. مطالعه موردی موارد فوق بر روی کشور هلند است.

در اولین بخش این کتاب تحت عنوان اسطوره تاریخ، تاریخ اسطوره (Myth in History, History in Myth) نوشته لورا کروز (Laura Cruz) و ولیم فریجوف (Willem Frijhoff) نویسنده‌گان به بحث دریاب تاریخ، اسطوره، و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد.

در ابتدا اشاره می‌شود که بعضی از تعاریف ارائه شده دریاب اسطوره، از خود اسطوره مبهم‌تر و اغفال کننده‌تر است. در ادامه به برخی از تعاریف مطرح در باب اسطوره می‌پردازد:

از فرهنگ لغت هلندی Van Dale: «بیان علت خلقت عالم وجود، تاریخ بی اساس، نمایش بی اساس افراد، اشیاء، و موضوعاتی که دقیق و درست برداشت نمی‌شوند».

در فرهنگ لغت مشابه دیگری اسطوره را چنین تعریف می‌کند: «روایت سنت ملی انسان‌ها درباره مذهب، جهان‌بینی، تاریخ انسان‌ها و خدایان»

در فرهنگ لغت دیگری:

«تاریخ بی اساس، افسانه و دروغ»

در ادامه به تفاوت بین این تعاریف و جایگاه آن‌ها در درک و شناخت اسطوره می‌پردازد و به انتقاد از نویسنده‌گانی که بین دروغ و اسطوره، تفاوت قائل نیستند می‌پردازد و با تأکید بر تفاوت آشکار بین دروغ و اسطوره، تفاوت بین تعاریف فوق و گنراز تعریف اسطوره به معنی «افسانه و دروغ» به تعریف اسطوره به معنی «روایت سنت ملی انسان‌ها...» اشاره می‌کند که این تحول، با گذشت زمان و مطالعه بر روی اساطیر صورت گرفته است. در ادامه اشاره می‌شود که در این تعاریف پیشرفت مهمی در نگرش به آینده اساطیر و فهم کاربرد آن در



۴. اسماعیل پو، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۲.

۵. جنبه‌ی روان‌شناسی اسطوره را می‌توان در آثار فروید و شاکردنگ بونگ مشاهده نمود. فروید برای معنی‌بازی‌های روانی از یکی از شخصیت‌های اساطیری بونان به نام ادیپ برای تصریح این استفاده می‌کند و در نهایت از آن بیماری نیز به نام عفنه ادیپ نام می‌برد. در اساطیر، بونانی شخصی به نام ادیپ دیده می‌شود که برای ازدواج با مادر خود، پدرش را می‌کشد و بدر و سیله با مادر خود ازدواج می‌کند. در تشریح این بیماری اشاره می‌کند که بشر از اون زندگی ز کتون نسبت به پدر خود حسادت داشته و از این که پدر، مادر را تحت سلطه خود در اورده رنج می‌برد، فروید این مشکل را که از ایندا تا کتون در میان جوامع انسانی وجود داشته تحد نیوان عقدی ادیپ معرفی می‌کند. بونگ از دیگر روان‌شناسان نامی و شاگرد فروید است، که از جنبه‌ی دیگری به اساطیر و خواص گذشته نگاه می‌کند. این داشتمند در نظریه کهن التواری خود، اشاره می‌کند که علاوه بر تجربیات کوتولی و عینی ما، یک سری تجربیات بادناتی نیز در زندگی ما دیده می‌شود که به صورت تاخودگاه در ما دیده می‌شوند. این تجربیات ب، صورت سهل به نسل ادامه باقی نمایند تا به موره‌ی ما رسیدند. نمود این نوع تجربیات بیشتر در خواب و رویاهای ما مشخص است. از جمله این کهن الگوها می‌توان به مادر، پدر، مرگ و غیره اشاره کرد که رد پای آن‌ها بیشتر در اساطیر و افسانه‌های ملل مختلف مشخص است (سوزن، دیان، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات پیراپس، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷).

۶. همان، ص ۴۲.

۷. اتوشه، حسن، دانشنامه‌ی زبان فارسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۹۱.  
۸. باسینید، روحه، دانش اساطیر، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران، انتشارات توپ، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۲۱.

در مبحث دیگری با محوریت هلند در قرن ۱۷ م و اساطیر هلند که توسط دونالد هارلد (Donald J. Harreld) نوشته شده است، با اشاره مختصی به تاریخ هلند و تقسیمات سیاسی آن، به جایگاه اسطوره در ذهنیت مردمان این عصر، به اساطیر هلند و معرفی شخصیت‌های اساطیری و هنرمندان آن‌ها می‌پردازد (صفحه ۳۲ - ۳۲). از دیگر مباحث طرح شده در این کتاب می‌توان به مبحث اساطیر پرتقال، نوشته‌ی Jill Stern (صفحه ۳۳ - ۵۲)، اسطوره و تاریخ در کشورهای ضعیف قرن ۱۶ م، نوشته‌ی Jac Geurts (صفحه ۵۳ - ۶۶) تصاویری از شخصیت‌های اساطیری کشورهای غربی خصوصاً هلند از Kimberlee Willem Cloutier (صفحه ۸۷ - ۱۱۶)، اساطیر رمزی نوشته Frijhoff (صفحه ۱۱۷ - ۱۴۶)، قوانین بین المللی و زندگی ملی: اساطیر بی طرف نوشته‌ی Hubert P. van Tuyll (صفحه ۱۴۷ - ۱۵۸)، نقش اساطیر میهن پرستی در دوره‌ی طلایی هلند نوشته‌ی Laura Cruz (صفحه ۱۵۹ - ۱۷۴)، تاریخ و اسطوره هلند نوشته‌ی Johan Joor (صفحه ۱۷۵ - ۲۰۰)، پژوهش‌نامه اساطیر تاریخی نوشته Theodor Dunkelgrun (صفحه ۲۰۱ - ۲۲۶)، رمیرانت (Rembrandt) (هزار من اساطیری هلند) و تفسیر تاریخی اش درباره‌ی کلودیوس اول (Claudius Civilis) (Jan Blanc) (صفحه ۲۲۷ - ۲۵۴) اشاره کرد.

### جمع‌بندی

سطوره بدبده‌ای که در میان مردم معانی و تعاریف گوناگونی به خود گرفته است و هر کس از آن بنابر سطح فهم خوبی و انتظاری که از آن دارد تعریف ارائه نموده است. در مجموع می‌توان اساطیر را داستان و توصیف مردمان روزگار باستان از جهان و جامعه پیرامون خود تعریف نمود که به مرور زمان از تاریخ به داستان تبدیل شده است. اسطوره ماجرای است مقدس که بیانگر این حقیقت است که خاستگاه انسان را به کنکاش بگیرد و جایگاه اورا در جهان تثبیت کند. اسطوره‌ها تا زمانی که با زندگی محسوس و عملی جامعه خود مربوط باشند در میان توده‌ی مردم حیات دارند، و اگر با این شرایط تطبیق نکنند، از زندگی توده‌ی مردم خارج می‌شوند و از آن به بعد در ادبیات، فرهنگ و غیره می‌توانند وارد بشوند و ادامه‌ی حیات بدene. می‌توان یکی از دلایل وجودی اسطوره را عدم اطلاع مردمان از روزگار از واقعیت‌های مسئله دانست. در واقع اسطوره‌ها واکنشی از ضعفهای بشری در برابر درماندگی و ناتوانی است و از تجسم احساساتی که انسان‌ها نسبت به امور نامطلوب دارند به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر انسان‌ها هنگامی که اسطوره را تکرار می‌کنند، آرامش می‌یابند و گاهی هم عقده‌های خود را با آن تسکین می‌دهند. این اساطیر و افسانه‌ها سینه به سینه و نسل به نسل ادامه پیدا می‌کنند تا این که در دوره‌ای زمانی افسانه سرایی و اسطوره‌های اسازی جای خود را به افسانه و اسطوره‌نویسی می‌دهد. شروع این دوره نیز در کشورهای مختلف متفاوت است.

### بی‌نوشت

۱. سمیسا، سیروس، بیان، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱.
۲. واحد دوست، مهوش، رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۶.
۳. همان.